



## اثر فصلنامه علمی فنی هنری ۷۹

زمستان ۱۳۹۶

شماره استاندارد بین‌المللی: ۱۶۴۷-۱۰۲۴

شماره استاندارد بین‌المللی الکترونیکی: ۴۱-۳۵-۲۲

درجه علمی: علمی ترویجی

صاحب امتیاز: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

مدیر مسئول: جلیل گلشن

سردبیر: مهناز اشرفی

هیئت دبیران (تحریریه): سیدمحسن حبیبی (استاد دانشگاه تهران)، سیدحسین بحرینی (استاد دانشگاه تهران)، فرهاد تهرانی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، محمدرحیم صراف (دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)، مهرداد قیومی بیدهندی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، حمیده چوبک (دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)، علی زمانی فرد (استادیار دانشگاه هنر تهران)، مهناز اشرفی (استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی).

مدیر اجرایی: محمدعلی مخلصی

مدیر داخلی و معاون سردبیر: ذات‌الله نیک‌زاد

ویراستار: عبدالله مؤذن‌زاده کلور

مترجم: شروین معظمی گودرزی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: نوربخش

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی دبیرخانه: تهران، تقاطع خیابان امام خمینی (ره) و سی تیر،

روبه‌روی موزه ایران باستان، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پلاک ۲،

پژوهشکده ابنیه و بافت‌های تاریخی فرهنگی

کد پستی: ۱۱۳۶۹۱۳۴۳۱

تلفن: ۶۰-۶۶۷۳۶۴۵۲ (داخلی ۳۴۴)

وبگاه: [Journal.richt.ir/athar](http://Journal.richt.ir/athar)

پست الکترونیک: [atharmiras@gmail.com](mailto:atharmiras@gmail.com)

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

لیتوگرافی و چاپ: تندیس نقره‌ای

اسامی داوران این شماره:

مهناز اشرفی، علیرضا انبسی، علی صدراپی، بهروز عمرانی، مجید لباف‌خانیک، فتح‌الله نیازی، رضا نوروزی، ذات‌الله نیک‌زاد.

- نقل مطالب مجله/اثر با ذکر مأخذ آزاد است.

- نظر نویسندگان الزاماً نظر مجله نیست.

- این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می‌شود.



- 
- ۳ ■ پژوهشی درباره ساختار معماری بنای آرامگاهی خرقة در فیروزآباد فارس  
حسام‌الدین احمدی، فخرالدین محمدیان، خدیجه شریف‌کاظمی
- ۱۷ ■ بررسی فلزگری کهن در بخش میمه اصفهان، با تکیه بر پتروگرافی سرباره‌های فلزی  
علی اعراب، سیدایرج بهشتی
- ۲۹ ■ بازنمایی قنات وقف‌آباد در منظر شهری سده‌های هشتم و چهاردهم هجری شمسی  
علی اصغر سمسار یزدی، آمنه کریمیان
- ۴۷ ■ روش‌شناسی تعیین حریم جی باستان اصفهان  
ذاکر عاملی
- ۶۱ ■ کرانه‌های جنوبی رود ارس در گذر زمان با نگاهی بر پاکنش فضایی و زمانی استقرارها  
سپیده مازیار، علی زلّقی
- ۷۵ ■ بررسی و تحلیل برج مهمان‌دوست دامغان  
نگار یوسفی
- ۸۹ ■ گزارش مقدماتی نخستین فصل بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان قلعه‌گنج (بخش چاه‌دادخدا)  
محمد مرتضایی، سلمان نجم‌افروز
- ۹۹ ■ تازه‌های کتاب و مجله کتابخانه پژوهشگاه میراث فرهنگی  
معصومه ازقندی، ستاره اسحق تیموری

## روش‌شناسی تعیین حریم جی باستان اصفهان

لیلا ذاکر عاملی

دکترای حفاظت و مرمت بناهای تاریخی

Leilaameli@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۸

### چکیده

جی باستان در شمال زاینده‌رود و در شرق اصفهان در پهنه‌ای وسیع گسترده شده، و نشانه‌های فراوانی از ساختار زیستی اصفهان پیش از اسلام را در خود دارد. جایجایی هسته شهر از جی به یهودیه، اندک اندک تصویر شهرستان کهن را از خاطر جمعی زدود و از آن پس یگانه سند مدنیت باستانی این شهر، مهجور و محقر در حاشیه شرقی به حیات خود ادامه داد. شکوه تمدن صفوی و عظمت آثار تاریخی بازمانده این خاندان در اصفهان بخش اصلی توجهات علمی و پژوهشی را به خود معطوف داشت. این امر در کنار جدا افتادگی فیزیکی شهرستان از مرکز توسعه تاریخی شهر موجب ناشناس ماندن و بی‌توجهی به میراث فرهنگی ارزشمند نهفته در ساختار آن شد. به صورتی که در سال‌های پایانی دهه ۱۳۷۰ و نیمه اول دهه ۱۳۸۰ که توسعه مدرن شهر رو به سوی شرق نهاد، تصویری از اهمیت تاریخی این منطقه در ذهن مدیریت اجرایی شهر وجود نداشت. در چنین شرایطی از یک سو عدم شناخت و محدود بودن دانسته‌ها و از دیگر سو افزایش سرسام آور قیمت زمین چالش بزرگی را برای حفاظت جی باستان در برابر توسعه ناپایدار پیش رو قرار داده بود. بنابراین تدوین و ارائه مجموعه‌ای از قوانین در قالب ضوابط حریم، فوری‌ترین ابزار برای کنترل سوداگری به حساب می‌آمد. در این نوشتار ابتدا تاریخچه کوتاهی از جی باستان ارائه و پس از آن شواهد معماری و شهرسازی بازمانده از این تمدن معرفی خواهد شد، و سپس به روش‌شناسی تعیین حریم محوطه پرداخته می‌شود. محدوده شارستان که نشان فیزیکی از آن بر جا نمانده، با بررسی استخوان بندی معابر و مسیرهای جریان آب، عناوین کهن گذرها و محلات و تطبیق نقشه‌های دوره‌های مختلف مشخص گردید. همچنین با مطالعه و بررسی کشتخوان‌های اطراف شارستان، نحوه تقسیم آب و مصاحبه با کشاورزان منطقه بر اهمیت حفاظت میراث کشاورزی جی و لحاظ نمودن آن در حریم تاکید گردید. نکته مهم در این میان متدولوژی اختیار شده برای یک حفاظت فوری و تصویب ضوابط برای ایجاد وقفه در حرکت شدید توسعه است. و اینکه چگونه بدون کاوش‌های مفصل باستان‌شناسی که نیاز به زمان بسیار دارد، و تنها بر اساس قراین و نشانه‌های موجود بر روی خاک در چنین محوطه‌ای ضوابط و قوانین حفاظت معین و تصویب گردید.

### واژه‌های کلیدی

جی باستان، تعیین حریم، بقعه راشد بالله، تپه اشرف، پل شهرستان، روش‌شناسی.

شکوه اصفهان صفوی تمام توجهات علمی را به خود معطوف داشته است. به شکلی که الگوهای شهری ماقبل آن به صورت شایسته شناخته شده نیست. شرایط مساعد طبیعی و موقعیت استراتژیک آن زمینه را برای شکل‌گیری مدنیت و استقرار سلسله‌های قدرتمند فراهم کرد. علاوه بر شاهکارهای معماری و شهرسازی برج‌مانده از دو دوره مهم صفوی و سلجوقی که اصفهان تختگاه ایران بود، نشانه‌های متعددی از حیات و تحرک شهری متعلق به قرون اولیه اسلامی و سلسله‌های پادشاهی زند و قاجار تا دوران معاصر نشان از تمدن صدها ساله این سرزمین دارد. با تمام این احوال دانسته‌های فعلی ما از تاریخ تکوین و تحول اصفهان در درجه اول بر شهر صفوی و سپس بر برخی آثار دوره سلجوقی متمرکز است، بنابراین شناخت و حفاظت دیگر نشانه‌های تمدنی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این محوطه‌ها محدوده شهرستان یا همان جی باستان است.

### پیشینه تحقیق

مطالعه مورفولوژی شهر و شناخت این محوطه به این دلیل که نیاز به کاوش‌های فراگیر باستان‌شناسی دارد، پیچیده و پرهزینه است. به همین جهت به جز چند مورد مرمت پل شهرستان، معدود کاوش‌های باستان‌شناسی در محل مسجد جامع جی و تپه اشرف و برخی گمانه‌زنی‌های پراکنده در محوطه، فعالیت پژوهشی و حفاظتی چشمگیری در طی نیم قرن گذشته در این منطقه شهر صورت نگرفت. علاوه بر این در سال‌های پایانی دهه شصت نیز تعیین حریم و مجموعه ضوابطی برای محدوده پل شهرستان و تپه اشرف تعریف شده بود، که با توجه به توسعه دهه هفتاد، این ضوابط دیگر پاسخگو نبود. از سوی دیگر تعیین حریم محوطه ارتباط تنگاتنگی با حریم کلی پل‌های تاریخی و زاینده رود که در سال ۱۳۶۷ تعیین شده، دارد.

### روش تحقیق

در دهه هفتاد بخش شرقی شهر اصفهان در شمال زاینده رود شدیداً در حال توسعه بود. از تعریض خیابان مشتاق (جاده قدیم یزد) و احداث پل غدیر تا بلندمرتبه سازی‌های بی‌پایان. این در حالی است، که از سده‌های سوم و چهارم هجری به بعد این منطقه دیگر محل توسعه شهری نبود و از روستاهایی پراکنده استوار بر اقتصاد کشاورزی تشکیل شده بود. آهنگ سریع توسعه مجال مطالعه به هنگام و باستان‌شناسی مفصل را گرفت و نیاز بود، که در آن زمان به واسطه یک طرح حریم برای آثار ثبت شده در محوطه تا حد ممکن از تخریب نشانه‌های تمدنی جلوگیری شود. طرح

حریمی که در دهه شصت تهیه شده بود، یک طرح سریع و باعجله بود که قدرت کافی برای پیش‌گیری از تخریب باغات و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی را نداشت. از آنجا که از آثار تمدن باستانی جی و شهرستان اصفهان نشانه‌های بسیار محدودی بر روی خاک باقی مانده، تحلیل و بیان ارزش‌های نهفته در آن به خصوص برای مسئولان شهری و مدیران توسعه نیاز به توجیهاات مفصل و عملی داشت. از سوی دیگر این محوطه بر خلاف بسیاری از محوطه‌های باستانی، در جریان مدنیت اصفهان در طی سده‌ها به زندگی خود ادامه داده، متحول شده و همچنان زنده و پابرجا است. از آنجا که استخوان بندی شریان‌ها و گذرها، مسیر مادی‌ها، عناوین محلات و کوچه‌ها، مالکیت کشتخوان‌ها، نحوه آبرسانی و حق آبه آن‌ها در طی تحولات شهری بسیار کند تغییر می‌کند، مطالعه دقیق این موارد هم در محل و هم در منابع و نیز پیگیری مسیرهای مادی و کوچه‌ها روش اصلی شناخت و سپس تعیین حریم و ضوابط محدوده است. نقشه‌های موجود از ادوار مختلف و همچنین طراحی و گراورهای قدیم و جدید در اختیار و انطباق شرایط محوطه با وضعیت کنونی نیز روش دیگر برای دریافت حدود شهرستان و تعیین خط و خطوط حریم آن است.

### جی باستان کجاست؟

جی یکی از هشت بلوک<sup>۱</sup> حوضه آبریز زاینده‌رود بوده، دو ساحل شمالی و جنوبی آن را در بر می‌گیرد. قسمت شمالی جی و قسمت جنوبی برز رود جی<sup>۲</sup> نام دارد. شهر کهن اصفهان در این دو بلوک قرار دارد. هر بلوک در خود روستاهای متعددی داشته، و آب زاینده‌رود توسط مادی‌ها در میان روستاها تقسیم می‌شود. تقسیم آب رودخانه و مادی‌ها به قبل از عصر صفوی و طومار معروف شیخ بهایی بازگشته و حداقل از دوره ساسانیان در جلگه اصفهان رایج بوده، در متون قرون اولیه اسلامی بارها به این امر اشاره شده است.<sup>۳</sup> امروزه برخی روستاهای بلوک جی به صورت روستا برج‌مانده، و برخی نام خود را به محلات قدیمی داخل شهر داده‌اند. تا قبل از دوره ساسانی اصفهان متشکل از روستاهایی پراکنده بود و هنوز به صورت یک شهر معتبر با خصوصیات ویژه شناخته نمی‌شد (شفقی، ۱۳۸۱: ۲۵۶). در همان زمان تعدادی از روستاها شروع به توسعه کرد و احتمالاً یکی از هسته‌های زیستی به مرور ساختار شهر را به خود گرفت، همان هسته‌ای که امروزه به نام شهرستان نامیده می‌شود. به حکم متون کهن یزدگرد اول ساسانی (۳۹۹ تا ۴۲۱ م) یک جمعیت یهودی را از بین‌النهرین به اصفهان، که در آن روزگار جی نام داشته است، کوچ می‌دهد (هنری فیلد، ۱۳۴۳: ۲۵۲). این اقلیت روستای جدید یهودیه (اشک‌نان،

جو بارهٔ امروزی) را ایجاد نمودند.

روند ساخت برج و بارو و دروازه‌های شهرستان، به قلم حافظ ابونعیم به روشنی تشریح شده است. او تاریخ ساخت باروی جی را به صد و هفتاد سال پیش از اسلام نسبت می‌دهد.<sup>۴</sup> با توجه به موقعیت قرار گیری شهر محصور جی که توسط مورخان توصیف شده، این شهر در واقع همان شهرستان است، که امروزه نیز با همین نام برجا مانده است. چرا که همواره با چهار دروازه و در مقابل پل شهرستان از آن یاد شده و به نام جی و نیز شهرستان خوانده می‌شده است. یاقوت حموی در المشترك می‌نویسد: «جی نام قدیم شهر اصفهان است. نخست اصفهان را جی می‌نامیدند و سپس شهرستان گفتندش» (اشراقی، ۱۳۷۹: ۳). همزمان با شهرستان، محلهٔ یهودی نشین نیز در حال رشد بوده است، بنا به تصریح حافظ ابونعیم توسعهٔ یهودیه در سال ۱۵۰ ه.ق شتاب گرفت (غلام بیگ، ۱۳۸۵: ۲۳). بنابراین در هنگام ورود مسلمانان به اصفهان دو گزینهٔ شهرستان و یهودیه برای توسعهٔ اسلامی شهر وجود داشت. «شهرستان آشکارترین نماد قیومیت سیاسی به شمار می‌رفت، زیرا پس از حملهٔ اعراب آنها مسجد خود را در داخل باروی شهرستان

ساختند.... اما ساکنان یهودیه همان افرادی بودند که به قول ابونعیم دروازه‌های جی را بر اعراب گشودند و به هر ترتیب پیکره‌بندی شهر اصفهان با بازارها و کارگاه‌ها و مساجدش از آبادی یهودیه آغاز شد» (همان: ۲۶).

با وجود اینکه قلب توسعهٔ شهر اسلامی اصفهان در یهودیه می‌تپید، اما شهرستان نیز تا قرن‌ها بعد به عنوان یک مرکز مدنی خالی از تب و تاب نماند. در کاوش‌های باستان-شناسی سال ۱۳۵۵ مسجد شکیل جی کشف شد. علاوه بر این جغرافی‌دانان قرون اولیهٔ اسلامی مانند ابن حوقل (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۷) و مافروخی (مافروخی، ۱۳۲۸: ۱۷-۱۸) به برگزاری جشن مفصل نوروز در حاشیهٔ بازار شهرستان، خیابان بازارچهٔ امروزی، اشاره می‌کنند. اما از دورهٔ سلجوقی به بعد شهرستان رو به رکود نهاد. یاقوت در ابتدای قرن هفتم ه.ق اذعان می‌کند که بیشتر شهرستان ویران و یهودیه همچنان رو به آبادی گذاشت (اشراقی، ۱۳۷۹: ۳). بنابراین بخش شرقی بلوک جی تا دههٔ ۱۳۷۰ برای قرون متمادی به همان صورت روستاهای اقماری باقی ماند. (نقشهٔ ۱).



نقشهٔ ۱. اصفهان در اواخر دورهٔ ساسانیان و اوایل دورهٔ اسلامی، (مأخذ: غلام بیگ، ۱۳۸۵: ۴۳).

## آثار و نشانه‌های بازمانده از جی باستان و نقش آنها در تعیین خطوط حریم

شهرستان و محلات همجوار آن تا چند دهه قبل به صورت کهن خود باقی بودند، اما رشد جمعیت و توسعه سریع پس از جنگ آرامش باستانی آن را برهم زد. در آغاز دهه هشتاد منطقه جی محوطه‌ای در تب و تاب توسعه بود. از یک سو مجتمع‌های مسکونی عظیم در میان کشتزارها در حال ایجاد بودند، و از سوی دیگر افزایش روز افزون قیمت زمین، کشاورزان را به خشکاندن باغات و تغییر دادن کاربری زمین‌های مزروعی تطمیع می‌کرد. علاوه بر این به جز بقعه راشدبالله، پل شهرستان و تپه باستانی اشرف نشانه دیگری از تمدن باستانی جی وجود نداشت. بنابراین تصمیم گرفته شد، که حریم جدیدی برای محوطه تعریف شود. در چنین شرایطی فرصت کافی برای انجام یک باستان‌شناسی و آمایش دقیق وجود نداشت، پس بنا شد که با مطالعه دقیق ساختار شهری، محله‌ای و کشاورزی منطقه و با تکیه بر متون تاریخی و آثار تاریخی برجا مانده حریم صحیح‌تری برای کل منطقه تعیین شود. در اینجا ابتدا به معرفی آثار بازمانده از جی باستان و نقش آن در شناخت بهتر محوطه و سپس روش‌شناسی تعیین حد و مرز حریم پرداخته می‌شود.

### ساختار شهری شهرستان و پل شهرستان

روستای شهرستان با توجه به موقعیت قرارگیری نسبت به پل شهرستان، نام گذرها، نشانه‌های ساختارهای کهن و کشف آثار مسجد سلجوقی، همان جی محصور است، که حافظ ابونعیم حصار و دروازه‌های آن را تشریح کرده است. با توجه به اینکه گذر اصلی شهرستان، بازارچه، در امتداد مسیر پل شهرستان، یعنی تنها رابط باستانی جی و برز رود جی، قرار دارد، می‌توان دریافت که این توده قطب فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه بوده است. محور بازارچه به دروازه‌ای در حصار، مقابل پل شهرستان، منتهی می‌شده است. حدود حصار شهرستان فقط در ناحیه جنوبی آن مشخص و قابل تخمین است، محدوده حصار در جهات شرق و غرب و شمال به دلیل انجام نشدن کاوش‌های باستان‌شناسی بر ما روشن نیست. با این وجود گذرهای منشعب از محور بازارچه تا دایره مشخصی ساختار ارگانیک دارند و پس از آن، در جایی که ساخت و سازها مدرن هستند، ساختار شهری از الگوی شطرنجی تبعیت می‌کند. در نقشه ۲ که محدوده مسکونی شهرستان در دهه ۵۰ خورشیدی را نشان می‌دهد، مشاهده می‌شود که ساختار ارگانیک آن همچنان پا برجاست. و در نقشه سال ۱۳۸۰ همان شکل می‌توان لبه ساختار ارگانیک کهن را تشخیص داد. از این خط به سمت شمال و شرق و غرب مشاهده می‌شود که قطعات پلاک‌ها مستطیل-

های منظم و یک شکل و هم اندازه بوده و کوچه بندی‌ها نیز از یک شبکه هندسی تبعیت می‌کنند. در محل نیز به روشنی این تفاوت در نوع قطعه بندی پلاک و شبکه معابر قابل پیگیری بوده و نشانگر این واقعیت است که بعد از دهه ۵۰ تا دهه ۸۰ شهرستان تحت تاثیر شهرسازی مدرن توسعه یافته است. با توجه به ساختار معماری، تاریخ پروانه‌های ساختمانی و نیز پرس و جو از اهالی این توسعه از نیمه دهه ۷۰ شمسی آغاز شده و در دو سال ۸۰ و ۸۱ سرعت فراوانی به خود گرفته بود. به دلیل دور بودن از مراکز اصلی توسعه شهری خوشبختانه شدت ساخت و سازها حدود نیم دهه دیرتر از دیگر بخش‌های شهر اصفهان دامنگیر جی باستان شد، اما متأسفانه به دلیل عدم آگاهی از اهمیت تاریخی آن با شروع ساخت و ساز بلند مرتبه سازی وسیعی در آن آغاز گردید. و اولین قدم‌های آن در زمین‌های کشاورزی صورت گرفت. علت این امر نیز واضح است. چرا که قطعات پلاک داخل شهرستان به دلیل کوچک بودن، داشتن همسایگی- های متراکم، پیچیدگی‌های مالکیتی و معابر تنگ و باریک هدف مناسب پدیده بساز و بفروش نبود. به همین دلیل زمین‌های کشاورزی خارج از محدوده مسکونی و محصور شهرستان به قطعات مناسب آپارتمان سازی تبدیل و خیابان- های سهل العبور اتومبیل در آن تعبیه گردید. توسعه مدرن بدون درک ساختار روستاهای اقماری هم در بافت روستاها و هم در محیط‌های کشاورزی نفوذ کرده است. در روستاها خانه‌های قدیمی تخریب و جای آن‌ها خانه و مجتمع‌های مدرن ساخته شده، در حالی که شبکه‌های ارتباطی به همان صورت ارگانیک باقی مانده‌اند، اما در کشتزارها معابر و پلاک- ها هم‌زمان تقسیم بندی شده و شبکه‌های ارتباطی معمولاً ساختار شطرنجی دارند. مگر در مجاورت مادی‌ها که اجباراً گذر بر مسیر حرکت مادی منطبق است. دنبال کردن این ساختار در شهرستان تا حدودی مرز میان توده مسکونی، یعنی محدوده داخل حصار، و کشتزارها را روشن می‌کند (نقشه ۲ و ۳) (تصویر ۱).

شالوده پل شهرستان را به قبل از اسلام نسبت می‌دهند و قدیمی‌ترین پل در شهر اصفهان است. (حسینی ابری، ۱۳۷۹: ۱۳۶) اهمیت استراتژیک آن به ایجاد امکان ارتباط اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی بین روستاهای دو ساحل شمالی و جنوبی بوده است. این اتفاق هم‌زمان با توجهات ویژه شاهان ساسانی به جلگه اصفهان به وقوع پیوست. احتمالاً روستاییان در روزهای خاصی از هفته کالاها و تولیدات خود را به بازارچه شهرستان برده و به داد و ستد می‌پرداختند، روستاییان برز رود جی نیز با گذر از پل شهرستان، یا به قول نویسندگان قرون اولیه اسلامی جسر حسین، کالاها خود را به بازارچه می‌رساندند. موقعیت توپوگرافی این منطقه به



نقشه ۲ و ۳. محدوده تقریبی داخل حصار شهرستان در نقشه طرح جامع، راست: دهه ۱۳۵۰. گذرها با ساختار ارگانیک شکل گرفته و محور بازارچه اصلی‌ترین گذر را شکل داده است. حروف A و B و C واهدگاه‌هایی، صحنه، در میان یک کوچه و یا معمولاً در محل تقاطع چند گذر هستند، که یک فضای باز شهری را ایجاد کرده‌اند. چپ: دهه ۱۳۸۰ ساختار ارگانیک معابر و محدوده خارج آن با ساختار منظم معابر و پلاک‌های مستطیل شکل منظم (ترسیمات روی نقشه از: نگارنده)

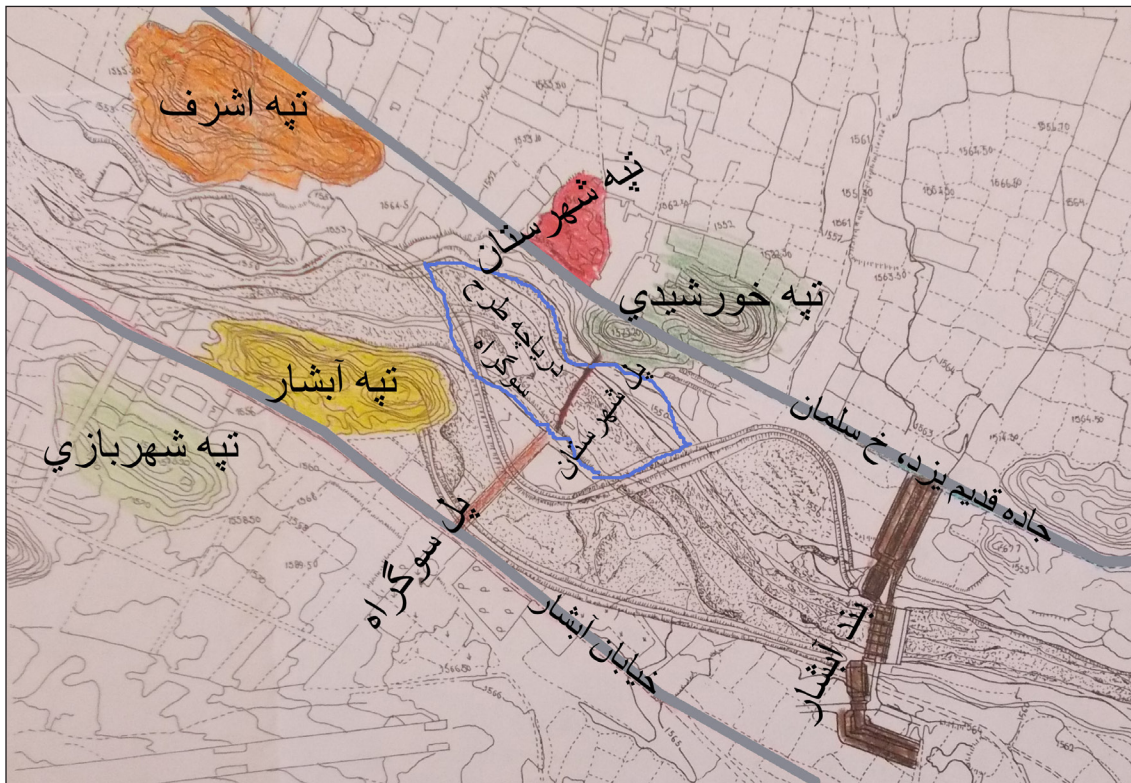
### بقعه راشد بالله

این بنا که نزد اهالی به امامزاده شاهزاده ابراهیم و حسین شهرت دارد، در واقع مقبره راشد بالله، یکی از خلفای عباسی بوده و ساختمان اصلی آن متعلق به دوره سلجوقی است.

صورتی است که در دو سمت رودخانه چندین تپه با بستر سنگی قرار گرفته که شهرستان در ساحل شمالی بر روی یکی از تپه‌ها و شهربازی آبشار در ساحل جنوبی بر روی تپه دیگری قرار دارد. در محل پل شهرستان، زمین‌های دو سوی رود بر رودخانه مشرف هستند<sup>۵</sup> (نقشه ۴).



تصویر ۱. توسعه مدرن در محوطه شهرستان و صحراهای پیرامون آن از فراز تپه اشرف، (مأخذ: نگارنده).



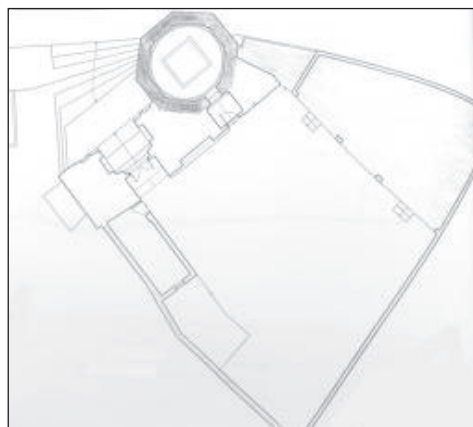
نقشه ۴: توپوگرافی محدوده شهرستان، (مأخذ: نگارنده).

و با گچبری آیه‌های شماره ۳۶ تا ۳۸ از سوره نور را نقش انداخته‌اند (هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۰۹) (نقشه ۵) (تصویر ۲).

#### مسجد جامع و حصار جی:

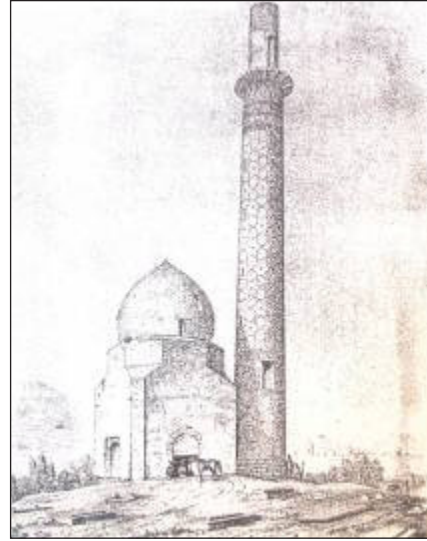
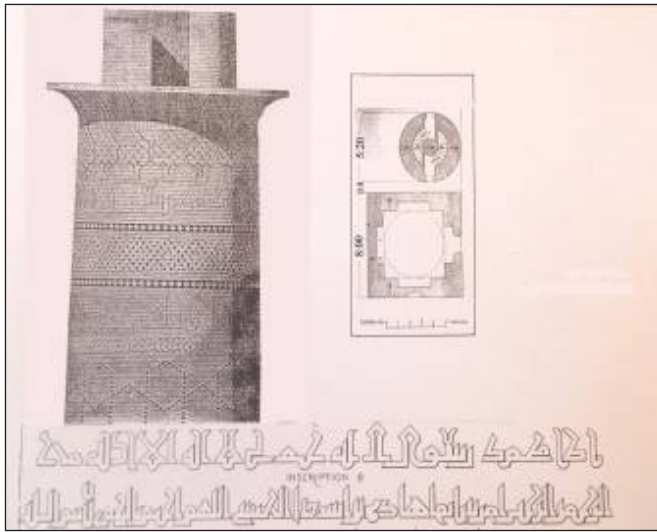
کاوش‌های سال ۱۳۵۵ در محلی که امروزه دو مدرسه شهید سیامکی و شهید معتمدی قرار دارد، آثار فراوانی از وجود

راشد، فرزند مسترشد عباسی در سال ۵۳۲ ه.ق به دست یکی از اسماعیلیه کشته شد. بر اساس نقل عماد کاتب اصفهانی راشد را در شهر جی و در موضع جامع آن دفن کرده و برای او در همان نیمه اول قرن ششم بقعه‌ای برپا کردند. منظر خارجی بقعه مانند دیگر گنبدهای سلجوقی فاقد تزئینات است، و برکتیبه داخل گنبد با خط کوفی برجسته



تصویر ۲. تصویر بقعه راشد بالله (عکس از نویسنده)،

نقشه ۵: موقعیت بقعه راشد نسبت به محور بازارچه و مسجد جامع جی (سمت راست)، پلان بنا (سمت چپ) (مأخذ: مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان).



تصویر ۳. مناره و گنبدخانه مسجد جامع جی، راست: قبرستان مجاور مسجد و بقعه راشدکه کاوش سال ۱۳۵۵ آن را تأیید می‌کند، دیده می‌شود. چپ: جزئیات و پلان منار و گنبدخانه مسجد جامع جی در طرح موجود در کتاب فلاندن و کوست، منار و گنبدخانه در فاصله ۸۰ سانتی‌متر از یکدیگر واقع شده اند (مأخذ: فلاندن و کوست).

(همان: ۲۳۲). در نقشه کوست و فلاندن از منار و مسجد شهرستان، مناری با دو راه پله در فاصله ۸۰ سانتی‌متری گنبدی با پلان مربع ترسیم شده است. این گنبد نمی‌تواند گنبد بقعه راشدبالله باشد، زیرا بقعه راشد پلانی هشت ضلعی دارد. بنابراین شاید گنبدخانه موجود در این تصویر همان گنبدخانه مسجد جامع جی باشد (تصویر ۳ و ۴).

«در قسمت جنوب شرقی محوطه مورد کاوش و بر کنار جاده اصفهان یزد گران‌بهارترین آثار بازمانده جی باستان که عبارت از باروی قدیمی جی است، کشف شد. این باروی خشتی سندی بر گفته تمام مورخینی است، که از آن یاد کرده‌اند. جهت این دیوار شرقی-غربی و در طول جاده مذکور و موازی با رودخانه ساخته شده و فاصله زیادی از پل شهرستان ندارد. و احتمالاً در گذشته تا کنار بنای گمرک خانه پل شهرستان ادامه داشته است» (همان: ۲۳۳ و ۲۳۴).

یک مسجد سلجوقی در داخل شهرستان و بخشی از حصار آن را آشکار نمود. در کنار مسجد بخش‌هایی از خانه‌های دوره عباسی نیز به دست آمده، که همگی دارای پی سنگی بوده‌اند، به اعتقاد میرفتاح در دوره عباسیان شهرستان بسیار گسترده، پر جمعیت و مترکم بوده است. (میرفتاح، ۱۳۵۵: ۲۲۶) او همچنین به کاوش پی منار مسجد نیز اشاره کرده و مسجد جامع جی را در شمار مساجد تک منار سلجوقی دسته‌بندی می‌نماید، که در روستاهای سمت شرق مسیر زاینده‌رود متداول بوده‌اند. این منار تا سال ۱۳۲۳ ه.ق همچنان پابرجا بوده، منتها برای ساختن بنایی دیگر منار را تخریب کرده و آجرها را به یغما برده‌اند (هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۱۰). میرفتاح منار مسجد را از نوع دو پلکانی تشریح کرده و تاریخ آن را به قرن ششم ه.ق منسوب می‌کند. و محل آن را در کنار بقعه راشد و در جنوب غرب مسجد آدرس می‌دهد



تصویر ۴. منار مسجد جامع جی، در سمت راست تصویر پل شهرستان و در فاصله میان منار و پل بقایای ساختارهایی خشتی، احتمالاً از حصار شهرستان قابل مشاهده است (مأخذ: هولستر).



تصویر ۵. مدرسه سیامکی، یکی از دو مدرسه‌ای که در جای مسجد جامع جی در دهه ۱۳۶۰ ساخته شده است. راست: در انتهای تصویر گنبد بقعه راشد و نیز منظر آشفته گذر شارستان دیده میشود. چپ: بقایای آجرکاری ساختار مسجد جامع جی در زیر دیوار حیاط مدرسه، (مأخذ: نگارنده).

یعنی قصر عبدالرحمن بن زیار و قصر ابوالفضل در حصار کرین، یا همان شهرستان اشاره می‌کند. (هنرفر، ۱۳۷۵، ۲۲) علاوه بر این نویسنده رساله محاسن اصفهان از دیگر قصرهای ساحل زاینده رود یعنی قصر خصیب بر طرف جسر حسین یاد کرده است (همان: ۲۲). در دوره صفویه ساختن کاخ‌های سلطنتی و ویلاهای اشرافی در حاشیه زاینده‌رود رواج فراوانی یافت. به این ترتیب چندان دور از ذهن نیست که، همان گونه که کاوش‌های سال ۱۳۶۶ تأیید می‌کند، یک کاخ صفوی در لایه‌های بالایی تپه اشرف ایجاد شده باشد. به هر حال با استناد به متون تاریخی در ادوار گوناگون همواره یک قصر یا اقامتگاه شاهی در مجاورت پل شهرستان وجود داشته، که توجه نویسندگان متون کهن را به خود جلب کرده است. خوشبختانه مالکیت این تپه در اختیار سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان قرار دارد، و همین امر محوطه را از بسیاری تعرضات مصون داشته است. هرچند که در هنگام تعریض جاده قدیم اصفهان-یزد، که امروزه به نام خیابان سلمان فارسی خوانده می‌شود، حدود ۲۰۰۰ متر مربع حاشیه شمالی تپه اشرف در زیر جاده مدفون شد (تصویر ۶).

متأسفانه یک دهه بعد، در جای زمین مسجد جامع جی دو مدرسه ساخته و بخش اصلی آثار و نشانه‌های این تمدن نابود شد و امروزه فقط بقایایی از ساخت و سازهای چینه‌ای و آجری در زمین کنار بقعه راشد برجا مانده است (تصویر ۵).

#### تپه اشرف

از تپه اشرف زیاد نمی‌دانیم. یک توده وسیع ساختمانی خشتی احتمالاً متعلق به دوره ساسانی در لایه‌های زیرین، جایی که تپه را برای تعریض خیابان سلمان فارسی برش داده‌اند، قابل مشاهده است و در سطح تپه تنبوشه‌های سفالی و یک حوض هشت ضلعی و آثاری پراکنده که به دوره صفوی منسوب است. کاوش کوتاه مدت سال ۱۳۶۶ آثاری از دوره صفوی را آشکار کرد. به اعتقاد بسیاری از محققین این بنا یک قلعه یا قصر یا استقرارگاه شاهی باستانی است. بنا بر نظر هنرفر احتمالاً تپه اشرف بازمانده قلعه کهن سارویه باشد (هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۱)، که حمزه اصفهانی در سال ۳۵۰ هـ.ق آن را مفصلاً شرح داده است.<sup>۶</sup> ابن حوقل از قصرهای کنار زاینده رود، به نمونه‌های موجود در جانب شرقی رودخانه



تصویر ۶. تپه اشرف. بقایای ساختارهای خشتی، و خیابان عریض سلمان فارسی که از مجاور تپه عبور می‌کند، دیده می‌شود (مأخذ: نگارنده).

## میراث کشاورزی جی باستان

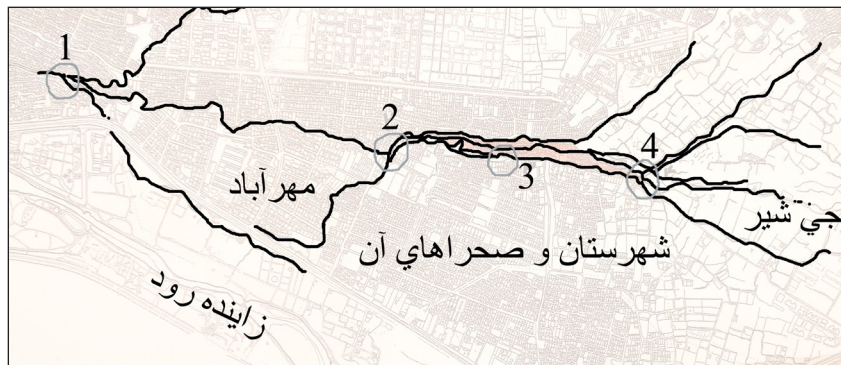
ارزشمندترین میراثی که بر اثر توسعه شهر به سمت شرق تحت تأثیر فراوان قرار گرفت و به نابودی کشانده شد، میراث کشاورزی منطقه است. ساختار کشاورزی جی با تکیه بر آبرسانی توسط مادی نیاصرم، صدها سال تداوم داشت، و تعامل پایداری با طبیعت پیرامون به وجود آورده بود. قبل از هجوم اتوبان و ساختمان‌های بلند مرتبه و تردد اتومبیل، اینجا کمربند سبز شرق اصفهان را شکل می‌داد، که در تعدیل درجه حرارت و کاهش آلودگی‌های صنعتی شهر نقش مهمی ایفاء می‌کرد. در این محدوده یعنی از روستا و کشتزارهای مهرآباد، حدود خیابان فعلی حمزه اصفهانی، تا روستای جی-شیر، چهار ل<sup>۷</sup> بر سر راه نیاصرم ایجاد و هر یک حداقل به سه شاخه تقسیم شده است، که نشان از رونق و رواج کشت و کار، آبیاری نظام‌مند و زندگی روستایی بر مبنای تولید در یک حیطة وسیع دارد. در این مسیر بر سر راه نیاصرم آسیاب‌های متعددی نیز وجود داشته، که البته امروزه فقط بقایایی از آنها برجا است. این حوقل در قرن چهارم به گوارایی آب زرن رود و آسیاب‌هایی که در کنار رودخانه بوده اشاره می‌کند (نقل از هنرفر، ۱۳۷۵: ۲۲).

شاخه‌های منشعب شده از نیاصرم از محل لت خورانی تا لت خورشاد (نقشه ۷ و ۸) در فاصله اندکی از یکدیگر عبور کرده و محوطه سرسبز و ویژه‌ای را به وجود آورده است، که اهالی آن را در گویش اصفهانی، میون جوقی<sup>۸</sup> می‌خوانند. از قسمت شمال میون جوقی تا حاشیه زاینده رود و از شاخه مادی صحرا باغشاه لت خورانی، (لت شماره ۲ در نقشه ۷)

در سمت غرب تا شاخه صحرا خورشاد (لت شماره ۴) در سمت شرق، محدوده تقریبی شارستان و صحراهای آن است. در شمال میون جوقی روستای گردآباد و صحرای معروف آن، صحرا منجونی، در سمت غرب میون جوقی روستای مهرآباد و در سمت شرق آن روستای جی شیر قرار دارد (نقشه ۶). چهار صحرای باغشاه، خورونی، تنبوشه و خورشاد در پیرامون محوطه مسکونی شارستان واقع شده‌اند. که هر یک با یکی از انشعابات نیاصرم آبیاری می‌شده است. متأسفانه به جز مسیر خشک مادی‌ها از این نظام کشاورزی هیچ نشانه‌ای برجا نمانده و توسعه ناپایدار روستا و صحرا را یک کاسه کرده است (نقشه ۷) و (تصویر ۷).



نقشه ۶. شهرستان و قریه‌های پیرامون آن و صحراهای (کشتزار) وابسته. بخش مسکونی شهرستان در میان قرار دارد و چهار صحرای باغشاه و تنبوشه و خورونی و خورشاد از شرق تا غرب آن را محیط کرده اند، (مأخذ: نگارنده).



نقشه ۷. مسیر حرکت مادی نیاصرم و شعبات آن در محدوده شارستان، (ترسیم از: نگارنده روی نقشه طرح تفصیلی)  
 ۱- لت چهارسنگ، شاخه شمالی به آب و خوراسگان، شاخه میانه به شهرستان، شاخه جنوبی به صحرا باغشاه، ۲- لت خورانی، شاخه شمالی به خوراسگان، شاخه میانی به اراضی شهرستان و جی شیر و صحرا پُزه و برتبان، شاخه جنوبی به اراضی پایین دست شهرستان، ۳- لت رستم یا لت تنبوشه، ۴- لت خورشاد، شاخه شمالی به صحرای پُزوه (از آبادی‌های خوراسگان)، شاخه میانی به صحرای برتبان، شاخه میانی به جیشیر و شاخه جنوبی به صحرا خورشاد  
 در فاصله بین لت خورانی (۲) و لت خورشاد (۴) که انشعابات مادی در فاصله اندکی از یکدیگر در جریان است، به واسطه جریان آب و چنارهای کهنسال دو سمت مادی محوطه‌ای بی‌نظیر و زیبا ایجاد شده که میان جوقی گفته می‌شود.



تصویر ۷. لت خورشاد و انشعابات آن، (مأخذ: نگارنده).

### روش تعیین خط حریم جی باستان

قبل از پرداختن به اینکه این خطوط بر چه مینا و اصولی ترسیم شده‌اند، لازم به تشریح است که اصولاً از آنجا که حریم یا زون آثار و مناظر تاریخی و فرهنگی، به صورت یک خط، محدوده مشخصی را در بر می‌گیرد، به همین دلیل لاجرم خط حریم بایستی بر خطوط طبیعی و مصنوع موجود بر روی زمین منطبق باشد. بهترین گزینه خطوط طبیعی مانند مسیر رودخانه، خطوط توپوگرافی تپه‌ها، مسیر درختان و ... در درجه دوم خطوط مصنوع تاریخی مانند مرز میان قدیم و جدید، جاده‌ها، گذرها، حصارها، قنات‌ها، معابر و آبراه‌ها... و در نهایت خطوط مصنوع مدرن مانند اتوبان، خیابان و یا مسیر تاسیساتی چون تیرهای برق و ... است. البته گزینه سوم در مواقعی که هیچ نشانه طبیعی یا تاریخی دیگری در اختیار نباشد و اجرایی کردن ضوابط ایجاب نماید، اجباراً انتخاب می‌شود.

در زمان انجام این پروژه، زمستان ۱۳۸۱ و بهار ۱۳۸۲، بحث مناظر تاریخی-طبیعی و تعیین حریم آنها در مدیریت شهری و حتی در سازمان میراث فرهنگی، چندان متداول و رایج نبود، و تعریف چشم‌اندازهای تاریخی-فرهنگی به جز مواردی انگشت شمار معمولاً محوطه‌های خارج از شهرها و دور از توسعه را در بر می‌گرفت. و بحث تعیین حریم به صورت متداول آن شامل عرصه یک اثر معماری ثبت شده در فهرست آثار ملی بود، که برای حفاظت منظر و فیزیکی آن محدوده‌ای در یک الی سه زون مشخص و فراخور شرایط اثر برای آن ضوابط و مقرراتی تعیین و در شورای فنی سازمان مصوب می‌گردید.<sup>۱</sup> این در حالی بود که محوطه جی باستان در مرکز توسعه شهری مدرن قرار گرفته بود و هیچ تصویری از اهمیت آن به عنوان یک منظر تاریخی-طبیعی و فرهنگی در

ذهن مدیریتی و تخصصی شهر وجود نداشت. و طبق معمول انتظار می‌رفت چند اثر موجود در این محدوده که شرح آن قبلاً آمد، با حریم‌های منفصل و کوچک مشخص و ضوابط محدودی برای آنها تعریف و به شهرداری ابلاغ گردد. در این میان با توجه به شرایط موجود نیاز به نوعی هوشمندی از سوی میراث فرهنگی بود، تا در قالب تعیین حریم عرصه این آثار معماری ضوابط و مقرراتی برای حفاظت کل منظر جی مصوب کند. به همین دلیل بر اساس مطالعات مفصلی که صورت گرفت برای تمامی عرصه‌ها یک حریم یگانه<sup>۱</sup> و واحد در سه زون یا سه درجه تعریف شد که هر درجه لایه‌ای از منظر جی باستان را تحت پوشش قرار می‌دهد.

با این شرایط ابتدا عرصه چهار اثر مهم محوطه یعنی تپه اشرف، پل شهرستان، بقعه راشد بالله و مسجد جامع جی تعریف شد. از آنجا که حدود مسجد جامع جی در کاوش‌های سال ۱۳۵۵ تدقیق نشده بود، ساختمان دو مدرسه از جنوب تا لبه خیابان، از شرق تا لبه گذر بازارچه، از غرب تا خطی که خانه‌های مسکونی قرار داشتند و از شمال تا بقعه راشد به عنوان عرصه مسجد مشخص شد. تعیین عرصه سایر آثار در پرونده‌های ثبتی آنها از قبل مشخص شده و مشکلات چندان را به همراه نداشت. این موضوع به خصوص در مورد عرصه تپه اشرف بسیار کلیدی و مهم بود، چون مشخص کردن عرصه تپه تاریخی به خصوص در چنین محوطه‌ای و با توجه به پروسه آرام ذات پژوهش باستان‌شناسی، می‌توانست منجر به کند شدن روند تعیین حریم شود. برای تعیین خط حریم بایستی نهایت تلاش به کار گرفته می‌شد، تا پیکره از هم گسسته تمدن جی تا حد ممکن حفاظت شود. به همین دلیل تپه اشرف، پل شهرستان، بقعه راشد، مسجد جامع جی و حصار شارستان به عنوان عرصه‌های آثار فاخر پراکنده یک

شهر باستانی محصور در نظر گرفته شدند، و حریم محوطه در سه لایه یا سه درجه تعریف گردید.

لایه اول یا حریم درجه یک در برگیرنده بخشی از محدوده مسکونی شهرستان و نیز عرصه تمام آثار فوق الذکر بوده و ضوابط محکمی در خصوص ارتفاع، درصد فضای پر و خالی و تاکید بر حفظ باغات و درختان برای آن مشخص گردید. حریم درجه دو در برگیرنده محدوده مسکونی شهرستان است، که نسبت به حریم درجه یک ضوابط نرمتری برای ساخت و ساز در آن تعریف شده، اما ضوابط مربوط به حفاظت درختان و باغات و فضاهای سبز همچنان محکم و پابرجاست. با توجه به اهمیت مادی‌ها در حفاظت میراث کشاورزی و هوشمندی و درایتی که در پس مدیریت آب زاینده رود از اعصار باستان وجود داشته است، و برای حفاظت از محدوده بسیار ارزشمند میان جوقی و آسیاب‌های آبی موجود در آن لایه سوم حریم چهار کشتخوان شهرستان، (نقشه ۵) را در بر می‌گیرد، که بر مسیر عبور مادی نیاصرم و شاخه‌های متعدد آن در محدوده میان جوقی، حد شمالی جی منطبق است.

### حریم درجه یک

خط حریم درجه یک در ساحل شمالی رودخانه، در بخش شمالی، شمال بقعه راشد، از روی یکی از گذرهای میان محدوده مسکونی و شهرستان، که یک خط تاریخی است، عبور می‌کند. (نقشه ۶) این گذر عریض‌ترین معبر شرقی غربی شهرستان است، که در شمال بقعه راشد در تقاطع با گذر بازارچه، میدانگاهی کوچکی به وجود آورده و با توجه به ساختار چهار دروازه‌ای که برای شهرستان وصف شده، به احتمال زیاد دو انتهای آن به دو دروازه شرقی و غربی محدود می‌شده است. ضوابط این حریم محدود کننده تغییر شکل قطعات و تجمیع و تفکیک آنها و عدم مداخله در عرض معابر و نیز برخورد قاطع با بلندمرتبه سازی است. در بخش شرقی خط حریم بر پایین‌ترین خط توپوگرافی تپه خورشیدی منطبق است. تپه خورشیدی منتهی‌الیه شرقی بخش مسکونی شهرستان بوده و در زمان مطالعات این پروژه همچنان یک تپه بکر متشکل از لایه‌های سنگی رسوبی بود، که دید بی‌نظیری به رودخانه و پل شهرستان داشت. (نقشه ۴) به دلیل متصل بودن به بافت شهرستان، نام ویژه آن که به گفته اهالی در پایین تپه به نظر می‌رسد خورشید از پشت آن طلوع می‌کند، و از همه مهم‌تر مصون نگه داشتن آن از تفکیک و ساخت و ساز خط حریم درجه یک ساحل شمالی<sup>۱۱</sup> در سمت شرق بر پایین‌ترین خط توپوگرافی این تپه منطبق است. از سوی دیگر یک مرز طبیعی بسیار قوی و قابل توجه نیز به حساب می‌آید. با توجه به گزارش کاوش مسجد جامع و حصار جی، مسجد در لبه داخلی حصار واقع

بوده است. با توجه به نشانه‌هایی که از مسجد برج مانده این حصار بر مرز غربی مدرسه‌هایی که بر روی خرابه‌های مسجد ساخته شده‌اند، منطبق است. توپوگرافی زمین در اینجا به صورتی است که مدرسه‌ها بر روی یک پشته کم شیب قرار دارند. ساختار این پشته در زمین جلوی بقعه راشد کاملاً قابل دیدن است که نشان می‌دهد تلی از آوار ساختمانی آن را شکل داده است، و بنابراین به احتمال زیاد لبه پایینی پشته بر محدوده غربی حصار منطبق است. (تصویر ۵) با این حال حریم درجه یک به این نقطه محدود نشد و در شمال رودخانه و خیابان سلمان فارسی به عمق یک پلاک تعدادی از باغات بر خیابان را، تا انتهای عرصه تپه اشرف، در بر گرفت. علت این پیشروی اولاً ایجاد یک تفاوت منظری در مقابل تپه اشرف در آن سوی خیابان است و ثانیاً این پلاک‌ها باغاتی بزرگ و با درختانی کهن هستند که دسترسی آنها از بر خیابان صورت می‌گیرد.<sup>۲۱</sup> و به همین دلیل در معرض خطر تفکیک و ساخت و ساز قرار داشتند. ضوابط محکمی برای عدم تغییر کاربری و حفظ درختان آنها وضع شد. به این ترتیب امروزه در مقابل تپه اشرف در آن سوی خیابان سلمان فارسی نوار سرسبزی از درختان حفاظت شده وجود دارد، که به خوبی متفاوت بودن این بخش خیابان را نمایان می‌کند. در ساحل جنوبی رود خط حریم درجه یک بر لبه طبیعی رودخانه و لبه پایینی تپه سنگی شهرسازی منطبق است. در ضوابط مربوط به این بخش حفظ چهره توپوگرافی منطقه و بکر نگه داشتن تپه‌ها مورد توجه قرار گرفته و ارتفاع ساخت و ساز، فعالیت عمرانی و ایجاد پل ماشین رو ممنوع شده است. علاوه بر این بر حفاظت ساختار سبک چادرهای نمایشگاه در کنار پل شهرستان تأکید شده و ایجاد ساختارهایی با مصالح بنایی در محوطه نمایشگاه چه به جهت نوسازی و چه به جهت توسعه ممنوع اعلام شده است.

### حریم درجه دو

با توجه به فاصله خیابان آبشار از ساحل جنوبی رود، وسیع بودن بستر جنوبی رودخانه و نیز وجود خیابان آبشار و رودخانه به عنوان دو مرز طبیعی و مصنوع تاریخی، حریم درجه دو و سه فقط در ساحل شمالی زاینده‌رود تعریف و ترسیم گردید. به واقع در این نقطه ساحل جنوبی هم به لحاظ تامین آب و مناسبات کشاورزی و هم از جهت ساختار شهری از ساحل شمالی کاملاً مجزا است. خط حریم درجه دو در شمال بقعه راشد بر مرز حصار شهرستان ترسیم شده است. به شرحی که گذشت مطالعه استخوان‌بندی معابر شهرستان و قطعه‌بندی پلاک‌های آن محدوده میان بخش مسکونی و محصور قدیمی و بخش توسعه یافته در اراضی کشاورزی را به خوبی نشان می‌دهد، این مرز کم و بیش بر محور مدرن

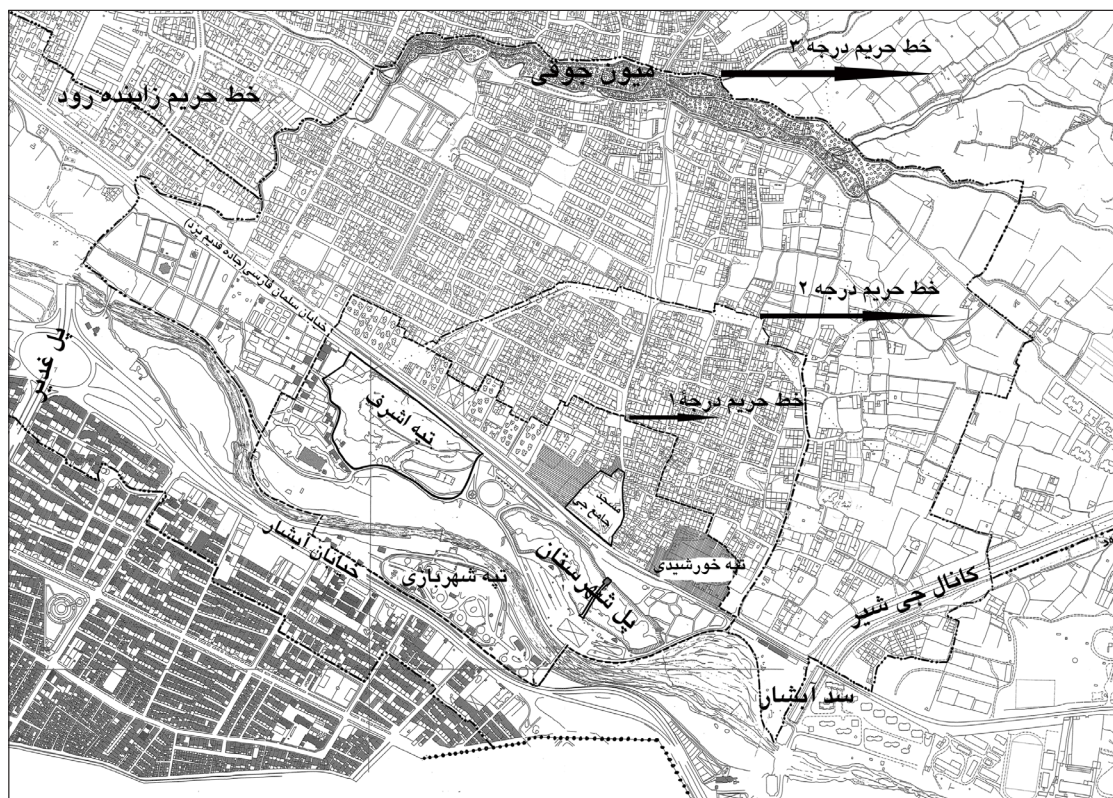
بلوار لاله انطباق دارد. این بلوار از منتهی الیه غرب شهرستان در راستای شمال از خیابان سلمان فارسی منشعب و با یک انحنای نیم‌دایره از مرز شمالی شهرستان گذشته در سمت شرق آن به گذر باغ مشهد که یک گذر تاریخی بوده و به بقعه باغ مشهد می‌پیوسته، منتهی شده و در پای تپه خورشیدی در منتهی الیه شرق شهرستان دوباره به خیابان سلمان فارسی می‌پیوندد. بلوار لاله در امتداد مسیر دکل‌های فشار قوی، جایی که روزگاری زمین‌های صحرا تنبوشه و باغ شاه وجود داشته، برپا شده است. متأسفانه نشانی از میراث کشاورزی کشتزارهای غربی شهرستان بر جا نمانده است. به همین دلیل و اینکه مسیر بلوار لاله تا حد زیادی بر مرز میان بخش مسکونی قدیمی شهرستان و بخش کشاورزی و نوسازی شده منطبق است این محور به عنوان خط حریم درجه دو انتخاب شد. به خصوص که در انتها گذر تاریخی باغ مشهد در مرز شرقی شهرستان به آن متصل است.

#### حریم درجه سه

حریم درجه ۳ کل بخش کشاورزی شهرستان و محور آبریز جنوبی مادی نیاصرم در فاصله لت خورانی تا خورشاد را پوشش می‌دهد. این خط در سمت شمال و غرب تماماً بر محور تاریخی-طبیعی مادی نیاصرم منطبق است. و در

سمت غرب بر روی گذر میان کشتزارهای شهرستان و جی-شیر واقع است. حریم درجه ۳ در سمت جنوب با محور قوی رودخانه بسته شده است. قسمت میون جوقی به دلیل شرایط طبیعی فوق‌العاده و درختان فراوان بستر مساعدی برای ساخت و سازهای سوداگرانه است. بر همین اساس برای این محدوده ضوابط جداگانه و مشخصی در نظر گرفته شد، که تا حد ممکن میراث طبیعی و کشاورزی آن حفاظت شود. به طور کلی ضوابط این حریم به جز محدودیت‌های ساخت و ساز مربوط به حفظ باغات و عدم تفکیک و تجمیع زمین‌های کشاورزی و تغییر کاربری آنها است. در تدوین ضوابط حریم درجه ۳ به ضوابط حریم پل‌های تاریخی (از مارنان تا شهرستان) که در سال‌های قبل تهیه شده بود، توجه وافر می‌ذول شد که ضوابط دو حریم با یکدیگر منطبق باشد. به عبارتی حریم پل‌ها (که به حریم زاینده‌رود شهرت دارد) به صورت یک نوار در موازات زاینده‌رود امتداد یافته و پس از رسیدن به جی باستان یک برآمدگی در آن ایجاد می‌شود، که همان حریم درجه ۳ است (نقشه ۸).

این مطالعه در زمستان ۱۳۸۱ و بهار ۱۳۸۲ به انجام رسید و طرح حریم در تیر ماه ۱۳۸۲ در شورای فنی سازمان میراث فرهنگی کشور به تصویب رسید. چند نکته بسیار مهم در خصوص حریم جی وجود دارد؛ در زمان انجام مطالعات حریم



نقشه ۸. خط حریم جی باستان مصوب ۱۳۸۲. (مأخذ: نگارنده).

مشاور شهرداری نیز در حال تهیه طرح تفضیلی منطقه بود. تعامل با مشاور موجب شد که تا حد ممکن برخی از ایده‌های میراث‌گرایانه در این طرح بالا دست شهری اعمال شود. از جمله تأکید بر درختان و فضای سبز، مسیر مادی‌ها، تعدیل ارتفاعات و نام‌گذاری گذرها و جاها مطابق با اسامی کهن محدوده. نکته دیگر مقاومتی است که سوداگران و مالکان در برابر بسیاری از ضوابط تعیین شده از خود نشان داده و می‌دهند، و اعتراضاتی که به خصوص برای تغییر کاربری زمین و مجوزهای ارتفاع به وجود آمده و می‌آید. این حریم گسترده با هدف حفاظت و زنده نگه داشتن بازمانده‌های یک تمدن کهن و آن هم در مجاورت شهر بزرگ اصفهان و به خصوص در نقطه هدف توسعه شهری، مطمئناً به لحاظ اجرایی با موانع متعددی مواجه شد و می‌توان ادعان داشت که فقط درصد اندکی از ایده‌ها و تفکرات موجود در پس این ضوابط به اجرا گذاشته شد. به بیانی دیگر توسعه، بخش اعظمی از سرمایه ملی و طبیعی بسیار غنی این ناحیه از شهر را در خود حل کرد، و متأسفانه نه تنها نشانه‌های بسیاری از تمدن باستانی اصفهان که قسمت مهمی از کمر بند سبز قسمت شرق شهر را نیز در کام کشید.

### جمع‌بندی

هدف از تعیین حریم بناها، مجموعه‌ها و شهرهای تاریخی و نیز محوطه‌ها و مناظر فرهنگی-تاریخی-طبیعی در اصل تولید یک سند حقوقی در جهت حفاظت، طولانی‌تر کردن عمر اثر و هدایت طرح‌های بالادست به سمت توسعه پایدار است. هر اثر تاریخی یا تاریخی-طبیعی غیر منقول که هدف تعیین حریم قرار می‌گیرد، شرایط حفاظتی خاص و پتانسیل‌ها و تهدیدهای ویژه خود را دارد، که جایگاه خطوط حریم و ضوابط آن را مشخص می‌کند. به این ترتیب:

اولین قدم در این مسیر شناخت دقیق، مطالعه و مستندسازی اثر تا حد امکان است. تنها در صورتی که ارزش‌ها و نیازهای حفاظتی یک اثر بررسی و شناسایی گردد، می‌توان بر پایه آن ضوابط و شرایط نگهداری آینده را به درستی پیش‌بینی کرد. در این فاز محدوده تأثیر گذاری، ارزش‌ها و عواملی که در تعریف هویت اثر دخیل هستند، تعریف می‌شوند. با مطالعه منابع تاریخی، مشخص شد که قلب اصفهان باستان در شهرستان محصور می‌تپید و محل قرارگیری آن در مقابل پل شهرستان بوده است. مطالعات میدانی و بررسی استخوان‌بندی شهرستان نیز بر این واقعیت تأکید نمود. میراث کشاورزی و نحوه تقسیم آب عامل اصلی دیگری است که هویت اصفهان باستان را تعریف می‌کند. و به تبع آن درختان کنار مسیر مادی‌ها و باغات و خانه-باغ‌ها نقش هویتی مهمی را بازی می‌کنند. و البته زاینده‌رود که

همواره زمینه مدنیت اصفهان بوده و توپوگرافی منطقه و تپه-های سنگی موجود در چشم‌انداز محوطه و در زیر ساختارهای تاریخی زهدان شکل‌گیری این منظر فرهنگی است.

دومین قدم که بیشتر جنبه مدیریتی و برنامه‌ریزی دارد، تصمیم‌گیری برای تعیین مرزها و خطوطی است که بتوان در داخل آن ضوابط و مقرراتی را وضع نمود. این مرزها مانند هر مرز قراردادی دیگری با توجه به شرایط زمان و تغییر فرصت‌ها و تهدیدها قابل تغییر است. منتها خطوطی که بر مرزهای طبیعی و تاریخی بنا شوند، پایدارتر بوده و در گذر زمان تغییرات کمتری را تجربه خواهند کرد. در اینجا مسیر رودخانه، خطوط توپوگرافی تپه‌های دو سوی رود و محور مادی‌ها مهم‌ترین مرزهای طبیعی هستند، که خطوط حریم تا حد ممکن بر آنها انطباق یافته است. خطوط مصنوعی که از عمر آنها زمان درازی می‌گذرد نیز به عنوان مرزهای مطمئنی قابل اتکا هستند. جاده باستانی یزد یا همان خیابان سلمان فارسی، گذرهای اصلی بین مزارع، گذرهای اصلی داخل شهرستان و امتداد مسیر حصار که فقط رد آن قابل شناسایی است، در اینجا از جمله خطوط مورد استفاده در تعیین حدود حریم هستند. و در نهایت خطوط مصنوع مدرن مانند خیابان‌های جدید و مسیر تیرهای برق تنها در بخشی از حریم درجه ۲ اجباراً مورد استناد قرار گرفت. درجات حریم و لایه‌های مختلف آن با توجه به همان شناخت اولیه و درک و دریافت دامنه تأثیرگذاری و نفوذ اثر مشخص می‌گردد.

سومین قدم تعریف و تعیین انواع ضوابط در داخل مرزهای مشخص شده است. خاصیت تغییرپذیری ضوابط و اصولاً نیاز به پایش آن‌ها بسیار بیشتر از حدود حریم است. و با تغییر شرایط موجودیت آنها نیز تغییر می‌یابد. در حریم جی باستان دو دسته ضوابط اصلی لحاظ شده است.

ضوابط بازدارنده: که معمولاً در مواقع بسیار اضطراری و در شرایطی لحاظ می‌شود، که اثر مورد تهدید جدی قرار دارد. مانند ضوابط بازدارنده قطع درختان، تغییر کاربری باغات و تفکیک زمین، عدم ساخت و ساز در برخی نقاط مانند زمین مجاور مسجد جامع جی یا تپه خورشیدی،

ضوابط هدایت‌کننده: که به واقع پیشنهادهایی هستند که موضع حفاظت را در طرح‌های توسعه آینده هدایت می‌کنند. مانند توسعه محل نمایشگاه بین‌المللی در کنار پل شهرستان با سازه‌های چادری و سبک. و یا تأکید بر نام‌گذاری گذرها و محلات منطبق بر اسامی محلی و کهن آنها. ضوابط مربوط به چگونگی ساخت و ساز اعم از ارتفاع، مصالح، درصد ساخت و ... نیز در همین مقوله دسته‌بندی می‌شوند، منتها موضع اصلاحی حفاظت را در طرح‌های موجود بالاسری مشخص می‌نماید.

ایده‌آل‌ترین زمان برای تعیین حرایم آثار تاریخی، قبل از انجام و یا بازبینی طرح‌های جامع و تفصیلی شهری است. در چنین شرایطی فرصت کافی برای گمانه زنی، مستندسازی دقیق و برآورد تهدیدهای بالفعل و بالقوه وجود دارد. و مهم‌تر اینکه ضوابط حفاظت و توسعه پایدار و نیز نظریات ارگان‌های متولی حفاظت در درون ضوابط طرح‌های بالاسری گنجانده می‌شود.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- در بخش آبریز زاینده رود، جلگه اصفهان، انشعاب جوی‌ها و مادی‌ها از چپ و راست رودخانه در هر یک از دهستان‌های هشت‌گانه صورت می‌گیرد. که هر یک حق و سهم آب مشخصی در فصول معلوم سال داشته‌اند. (حسینی ابری، ۱۳۷۹: ۱۰۰).
- ۲- ساحل جنوبی زاینده رود بین پل شهرستان در مشرق و قریه دستگرد در مغرب، برزرو جی نام داشته است. که حد شمالی آن بستر زاینده رود و حد جنوبی آن کوهستان هزار دره و کوه صفا است (هنرفر، ۱۳۵۲: ۲۵).
- ۳- به عنوان مثال نگاه کنید به: (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۸۳)
- ۴- آذرشاپوران دیدگاه‌هایی برای دیدهبانان و جنگاوران و چهار دروازه در چهار سوی دژ ساخت؛ دروازه شرقی به سمت شمال شرق به نام دروازه خور (خورشید)، دروازه جنوب شرقی به نام دروازه ماه یا اسفیس، دروازه جنوبی به نام تیر که این دروازه در مقابل پل شهرستان قرار داشته است، دروازه شمالی به نام یهودیه یا گوش. حدود دویست سال بعد یعنی در سال ۷۲ ه.ق فردی به نام محمد بن محمود از زبیریان خور دروازه را برکند و دروازه دیگری در باروی شهر گشود که دروازه نو نام گرفت و در جای خور دروازه لنگه دری چوبین نهاد (همان، ۱۳۷۷: ۱۲۷)
- ۵- در سال ۱۳۵۲ وزارت نیرو برای آبیاری زمینهای کشاورزی منطقه، تصمیم به احداث بند آبشار گرفت. احداث این بند منجر به این بود که تا ارتفاع پاکار قوس‌های پل در زیر آب پشت سد مدفون شود. به همین جهت شرکت سوگراه، مشاور وزارت نیرو، طی طرحی مسیر رودخانه را عوض کرده و از کنار پل عبور داد و به خاطر اینکه پایه‌های سازه آبی پل در آب قرار داشته باشد، در زیر پل دریاچه‌ای طراحی شد، که آب آن از رودخانه تأمین شده و میزان آن قابل کنترل است. در محل تغییر مسیر داده شده رودخانه، پل فلزی کوچکی (پل سوگراه) برای عبور و مرور پیاده احداث شد (مهندسین مشاور سوگراه، ۱۳۵۳).
- ۶- نگاه کنید به حمزه بن حسن اصفهانی (۱۳۴۶). سنی الملوک و الارض (تاریخ پیامبران و پادشاهان)، (ترجمه جعفر شعار)، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۷- لت به محلی گفته می‌شود، که آب مادی به دو یا چند شاخه تقسیم شده و برای آبیاری زمین‌های مختلف هر شاخه به سمتی هدایت می‌شود.
- ۸- میان جویی، بین دو جوی، بین دو نهر.
- ۹- البته امروزه نیز مشابه همین روند انجام می‌گردد. با این تفاوت که مناظر فرهنگی- طبیعی و تاریخی نیز به عنوان عرصه مورد پذیرش بوده و تعریف مشخصی پیدا کرده‌اند.
- ۱۰- تعریف یک حریم واحد، یا هم پوشانی حریم‌ها، برای چند اثری که فاصله زیادی از هم نداشته و در یک سبابط، کوچه یا محوطه واقع هستند، در تعیین حریم آثار متداول بوده و هست.
- ۱۱- متأسفانه با تخطی از ضوابط میراث فرهنگی، تپه تکه تکه و فروخته شد، و نام زیبای تپه خورشیدی به فرزند شهر تغییر یافت و یک منظر عالی شهری از کف رفت.
- ۱۲- یکی دیگر از خطوطی که می‌توان به عنوان خط حریم در نظر

گرفت، نقاطی ست که پلاک‌ها پشت به پشت هم دارند و دسترسی به آنها از دو معبر متفاوت صورت می‌گیرد. در اینجا دسترسی تمام پلاک‌های بر خیابان سلمان فارسی از سمت خیابان و پلاک‌های پشتی آنها از معبر دیگر تأمین شده، یک خط مصنوع تاریخی ایجاد نموده است.

### منابع

- ابن رُسته، احمد بن عمر. (۱۳۶۵). *العلاق النفیسه*، حسین قره‌چانلو، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ابن حوقل. (۱۳۴۵). *صورة الارض*، جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- اشراقی، فیروز. (۱۳۷۹). *اصفهان از دید سیاحان خارجی*، انتشارات آتروپات، اصفهان.
- حسینی آبری، سید حسن. (۱۳۷۹). *زاینده‌رود از سرچشمه تا مرداب*، انتشارات سازمان رفاهی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
- حمزه بن حسن اصفهانی. (۱۳۴۶). *سنی الملوک و الارض (تاریخ پیامبران و پادشاهان)*، جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- ذاکر عاملی، لیلا. (۱۳۸۲). *گزارش مطالعات مقدماتی برای تعیین حریم پل شهرستان، مسجد جامع جی و بقعه راشد بالله، اصفهان*، سازمان میراث فرهنگی، آرشو سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۹). *سفرنامه شاردن*، حسین عریضی، انتشارات گلها، اصفهان.
- شفقی، سیروس. (۱۳۸۱). *جغرافیای اصفهان*، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- غلوم بیک، لیزا. (۱۳۸۵). *الگوهای شهری در اصفهان* پیش از صفویه، *اصفهان در مطالعات ایرانی*، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۹-۴۷.
- فلاندن، اوژن و کوست. (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن*، حسین نورصادقی، انتشارات اشراقی، تهران.
- فیلد، هنری. (۱۳۴۳). *مردم شناسی ایران*، عبدالله فریار، کتابخانه ابنسینا، موسسه انتشارات فرانکلین، تهران.
- مافروخی. (۱۳۲۸). *محاسن اصفهان*، ترجمه حسین ابن محمد ابن الرضا آوی، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، ضمیمه مجله ادبی یادگار.
- مهندسین مشاور سوگراه. (۱۳۵۳). *پروژه حفاظت و حراست پل تاریخی شهرستان واقع در اصفهان*، تهران، آرشو سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان.
- میرفتح، علی اصغر. (۱۳۵۵). *آثار باستانی جی باستان (پیگردی مسجد جی)*، بررسی‌های تاریخی، شماره ۶۸، ۱۹۵-۲۳۶.
- هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۵۰). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، انتشارات ثقفی، اصفهان.
- هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۷۵). *زاینده رود در گذر تاریخ*، فرهنگ اصفهان، شماره ۴، ۱۳-۲۵.
- هولستر، ارنست. (۱۳۵۵). *ایران در صد و سیزده سال پیش*، تهیه و ترجمه محمد عاصمی، انتشارات مرکز مردم‌شناسی وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران.

# A Summery on the Methodology of Buffer Zone for the Ancient Jey in Isfahan

**Leyla Zaker Ameli**

Ph.D. in Conservation & Restoration of Historical Buildings

## Abstract:

The ancient Jey, in Isfahan, enjoys lots of things left from the pre-Islamic period. After dislocation of the city centre from to *Yah dāyeh* Neighbourhood, this town gradually lost its development and remained as a village at the eastern margin of the city and away from the historical growth. Anonymity and negligence in the cultural heritage of Jey, through centuries, led in the urban management's inattention to the importance of this historical-natural site. In the second half of the 1990's, due to the growth of overhead costs of the projects as well as about rise of high-rise building construction, a large part of the agricultural fields of the region has been destroyed and irreversible damages incurred into the historical centre of the Ancient Jey. At the same time, the Comprehensive Planning project of the region neglected the historical-natural aspect of the area and prominent historical properties, as cultural heritage, of the region, were limited and abandoned as forgotten islands. As a consequence, in winter 2003, ICHHTO provincial office in Isfahan prepared a very urgent project to determine the buffer zone of Jey. The project tried to follow two main objectives:

1. scientific reconnaissance and clarification of the significance of this historical-natural landscape in development and transition of Isfahan for the city managers.
2. Safeguarding of agricultural heritage, historical properties, natural resources and the urban structure of the town against insecure development under a series of safety recommendations and laws.

Determination of the buffer zone of the historical-natural landscape of the ancient Jey engages with numerous conservation and heritage concepts: on-ground and under-ground architectural and urban properties, water irrigation system and traditional agriculture, and specific topography of the land along with the river. Due to lack of archaeological excavation as for massive expenditure and time, first of all, careful fieldwork was carried out. Then, the updated and old maps have been compared with existing conditions. They have also been juxtaposed with historical documents and texts. In this way, the general structural basics of the ancient Jey especially the town and its suburbs have been identified. In the second phase, for providing a precise limit of the buffer zone, the following points have been taken into consideration: the traditional system of the Iranian urban planning, historians' descriptions, examination of passageways, a method of land plotting, singling out



Photo Caption: A Panorama of Sharestān (Ancient Jey) of Isfahan at the Time of Qajars

residential places from the urban agricultural areas. At the final stage, a series of field investigations and interviews have been carried out. The agricultural systems and the range of cultural impact of the town have been studied. Determination of the buffer zone aims in identifying the cultural assets and providing a document which may extend the lifespan of the properties. The first phase is precise reconnaissance, examination and documentation of the site. In this way, one can foresee future safeguarding circumstances. In the same phase, values and factors that are instrumental in forming identity are defined. The second phase engages with management, planning and setting limits for the regulations. It should be kept in mind that the limits which are based on natural and historical specifications are more stable. The buffer zone and its deferent layers are determined based on the very primary reconnaissance and discernment of range of impact of the property. The third phase is to determine the regulations within the defined limits. The regulations for Jey's buffer zone are divided into two groups of regulations: prohibitive and didactic. The best time to determine a buffer zone of a historical property is before conducting an urban comprehensive planning project as there exists enough time for carrying out archaeological sounding, documentation and providing an estimation of threads and opportunities.

**Keywords:** *Determination of buffer zone, ancient Jey, Ashraf Repe, Rashed be-Allah's mausoleum, Shahrestān Bridge, methodology*

# ATHAR

SCIENTIFIC, TECHNICAL and ART QUARTERLY

SCIENTIFIC, TECHNICAL & QUARTERLY

No. 79,

Winter 2018

## Abstracts

---

- **A Research on Architectural Structure of Khergheh Mausoleum in Firouzabad of Fars** 3  
Hessamoddin Ahmadi, Fakhreddin Mohammadian, Khadijeh Sharif Kazemi
- **A Study on Ancient Metal Works in Meymeh of Isfahan, Based on Petrography of Metal Slags** 4  
Ali A'rab, Seyyed Iraj Beheshti
- **Re-identification of Vaqfabad Qanat in Yazd, An Urban Landscape in eighth and Fourteenth Centuries Hegira** 5  
Ali-Asghar Semsar Yazdi, Ameneh Karimian
- **A Summery on the Methodology of Buffer Zone for the Ancient Jey in Isfahan** 6  
Leyla Zaker Ameli
- **Southern Riversides of Araxes River through the Passage of Time, A Glance on Spatial and Time Dispersion of Settlements** 7  
Sepideh Maziar, Ali Zalaghi
- **A Study on Mehmandūst Tower** 8  
Negar Yousefi
- **Preliminary Report on the First Season of Archaeological Survey and Reconnaissance in Town of Qal'eh Ganj** 9  
Mohammad Mortezaie, Salman Anjomrouz



In the Name of God

# ATHAR

SCIENTIFIC, & TECHNICAL and ART QUARTERLY

No. **79**,  
Winter 2018

ISSN: 1024-2647

EISSN: 22-35-41

**Owned by:** The Research Institute of Cultural Heritage and Tourism (RICHT)

**Managing Editor:** Jalil Golshan

**Editor-in-Chief:** Mahnaz Ashrafi

**Editorial Board:**

Seyed Mohsen Habibi (Ph.D), Farhad Tehrani (Ph.D), Seyed Hosein Bahreini (Ph.D), Mohammad Rahim Sarraf (Ph.D), Mehrdad Ghayomi Bidhendi (Ph.D), Hamideh Choobak (Ph.D), Mahnaz Ashrafi (Ph.D), Ali Zamani Fard (Ph.D)

**Executive Director:** Mohammad Ali Mokhlesi

**Deputy Editor-in-Chief:** Zatollah Nikzad

**Editor:** Abdollah Moazenzadeh Kolour

**Translation into English:** Shervin Moazami Goudarzi

---

**Type and Layout:** Nourbakhsh

**Circulation:** 1000 Editions

**Secretariat:** No. 2, Prof. Rolin St., 30tir st. Imam Khomeini St.

**P.O. Box:** 1136913431

**Website:** Journal.richt.ir/athar

**E-mail:** atharmiras@gmail.com

**Price:** 120000 Rials

---

Reviewer of the Articles:

**This Issue:**

Mahnaz Ashrafi, Alireza Anisi, Ali Aadraei, Behrooz Emrani, Majid Labaf Khaniki, Fathollah Niazi, Reza Nourozi, Zatolaah Nikzad

- Quotations from the contents of *Athar* are allowed under the condition that faithful reference to the article and the journal accompanies each.

- Contents of the articles shall not, necessarily, be regarded the *Athar* board's ideas.